



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

DOI: 10.22067/social.2023.79998.1273

مقاله پژوهشی

عوامل اثرگذار بر جذب مقصد و دفع مبدأ مهاجرت روستایی و واکاوی معانی ذهنی مهاجران*

عباس رضائی باصری (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران)

abbasramazani86@yahoo.com

مریم مختاری (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران، نویسنده مسئول)

mmokhtari@yu.ac.ir

مجید فولادیان (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

fouladiyan@um.ac.ir

رامین مرادی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران)

rmoradi@yu.ac.ir

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی عوامل دافعه و جاذبه در مهاجرت روستائیان از طریق تمرکز بر روایت‌های مهاجران می‌باشد. اغلب تحقیقاتی که به این موضوع پرداخته اند عموماً تفسیر ذهنی مهاجران نسبت به عوامل مؤثر در دفع مبدأ و جذب مقصد را نادیده گرفته‌اند. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، خانواده‌هایی هستند که از منطقه کامفیروز مهاجرت کرده‌اند و در شهرک‌های سعدی و جوادیه شیراز مستقر شده‌اند. در این پژوهش از روش روایت‌پژوهی به منظور دستیابی به روایت زندگی این افراد استفاده شده است. پس از ۲۲ مصاحبه عمیق اشباع نظری حاصل شد و چهار مدل بدست آمد؛ ۱. مدل خانواده‌های مهاجر دارای فقر اقتصادی ۲. مدل خانواده‌هایی که دچار دگرگونی ارزشی-هنجاری شده‌اند ۳. مدل زمین‌داران روستایی ساکن در حاشیه شهر و ۴. مدل خانواده‌های

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده نخست با عنوان «روایت پژوهی مهاجرت روستاییان به حاشیه شهر شیراز» می باشد که در دانشگاه یاسوج انجام شده است. علاقه مند به کار و تلاش دائمی (فرهنگ کار). تحلیل نتایج بیانگر این است که از دیدگاه مشارکت کنندگان عوامل دافعه مبدأ عبارتند از توسعه نیافتگی، بیکاری فصلی، نبود امکانات رفاهی و آموزشی، نظارت جمعی شدید و نقض حریم زندگی شخصی و عوامل جاذبه شهری نیز کسب منزلت اجتماعی بالاتر، جهت گیری مدرن، وجود شبکه آشنایان قبلی، فراهم بودن امکانات آموزشی مناسب و امکانات رفاهی بالاتر در شهر می باشد. **واژگان کلیدی:** روایت، تفسیر ذهنی مهاجر، جاذبه، دافعه، مهاجرت.

۱. مقدمه و بیان مسأله

مهاجرت جنبه پویای مردمان یک شهر و یک پدیده جمعیتی و اجتماعی می باشد چراکه متناسب با آن می توان حرکات جمعیت را با متغیرهای سن، جنس، نژاد، ملیت، اشتغال و سطح آموزش مورد ارزیابی قرار داد. در واقع تأثیر مهاجرت بر رشد جمعیت، اقتصاد و توسعه شهری هر کشوری قابل ملاحظه است (محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷: ۵۶). مهاجرت به عنوان یکی از عوامل اصلی پویایی جمعیت، سبب تغییر در ساختار سنی و جنسی و متوسط رشد سالانه جمعیت و تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در مبدأ و مقصد می شود.

از آنجا که در گذشته رشد جمعیت و در نتیجه جابجایی انسانها در مقیاس بسیار کوچکتری صورت می گرفت، تأثیر این جابجایی ها بر ساختار اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مناطق مهاجر فرست و مهاجر پذیر چندان چشمگیر نبود و حتی امری کاملاً طبیعی و گاه طبیعی تلقی می شد. امروزه مهاجرت به یکی از مهم ترین مسائل جمعیتی و در برخی از کشورها به معضلی اجتماعی تبدیل شده است. در ایران، مهاجرت روستاییان و ساکنان شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و کلانشهرها موجب تغییرات فراوان در افکار، شیوه های زندگی و اخلاق مهاجران شده است که زمینه ساز پیدایش بعضی از عوامل ناخوشایند

اجتماعی و روانی می‌شود. افزایش مهاجرت داخلی سبب بروز بینظمی‌هایی در گسترش فیزیکی کلانشهرها، ایجاد حاشیه‌نشینی و به‌هم‌خوردن تعادل جمعیتی استان‌های مهاجرفرست و مهاجرپذیر می‌شود.

یکی از تبعات منفی مهاجرت به کلان‌شهرها عدم وجود ظرفیت‌های جمعیت‌پذیری از قبیل محدودیت اشتغال، مسکن مناسب و آسیب‌های اجتماعی ایجادشده در شرایط افزایش جمعیت است. به دلایل ذکرشده، امروزه در کشور، مهاجرت و ابعاد گسترده آن در بین اقشار گوناگون به مسأله اجتماعی پیچیده تبدیل شده است (جعفرلو، ۱۳۹۷: ۴۴۶). به نظر می‌رسد یکی از علل مهاجرت روستایی در ایران، تفاوت سطح زندگی شهر و روستا می‌باشد. کیفیت زندگی در مناطق شهری در مقایسه با سطح زندگی روستائیان بهتر و برخوردارتر است و همین امر یکی از دلایل گرایش تاریخی روستائیان به سکونت در شهر می‌باشد (جمالی، ۶۵: ۱۳۸۱). نفوذ و تبلیغات رسانه‌ها و داستان‌های مهاجران پیشین نسبت به الگوهای تفریحی و سبک زندگی شهری موجب تحرک افراد منطقه برای مهاجرت از روستا به شهر شده است. همچنین عوامل غیر اقتصادی مانند دسترسی به خدمات آموزشی، درمانی و زیربنایی، ترک ارزش‌ها و هنجارهای سنتی روستا و آزادی تحرک اجتماعی در کنار زرق و برق شهری در مهاجرت روستا-شهری افراد نقشی بارز دارد. می‌توان پذیرفت که در کنار عوامل عینی و اقتصادی، عوامل ذهنی و اجتماعی-فرهنگی در تصمیم‌گیری فرد تأثیر دارد. طبق دیدگاه وابستگی علل مهاجرت را نمی‌توان از آثار آن جدا کرد زیرا مهاجرت از یک طرف معلول توسعه نابرابر است و از طرف دیگر عامل گسترش و تعمیق نابرابری می‌باشد. این نظریه به عامل دافعه جمعیت باور دارد و علت مهاجرت را نابرابری سطح توسعه روستا و شهر می‌داند و مهاجرت را از یک طرف عامل تقویت توسعه نیافتگی منطقه مهاجرفرست و از طرف دیگر عامل تشدید نارسایی‌های منطقه مهاجرپذیر می‌داند درست برعکس نظریه کارکردگرا (رهنما، احمیان و محمدیان، ۱۳۹۱: ۴۸).

بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۹۵، شیراز بعد از کرج و رشت با بیش از ۲۰ هزار نفر مهاجر داخلی مواجه بوده است. بر اساس همین گزارش بیشترین مهاجران وارد شده به شهر شیراز، بر حسب مبدأ مهاجرت طی سالهای ۹۵-۹۰ مربوط به شهرستان مرودشت بوده است که این شهرستان خود دارای چند بخش بوده و یکی مهم‌ترین آنها منطقه کامفیروز با جمعیت ۳۱۳۰۰ می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸: ۷۶). این منطقه از گذشته‌های خیلی دور تاکنون، بدلیل آب و هوای معتدل و حاصلخیز بودن اراضی کشاورزی قطب کشت برنج جنوب کشور بوده است (حیدری، رمضان‌باصری و عیسایی‌خوش، ۱۴۰۰: ۱۲۱). اراضی مرغوب، آب کشاورزی کافی و هوای مطبوع و دلپذیر، سکونت و زندگی را برای مردم این منطقه فراهم کرده است با وجودی که شرایط نامطلوب زندگی روستایی از جمله خشکسالی در این منطقه وجود ندارد اما در سال‌های اخیر مهاجرت مردم منطقه به شهرک‌های اطراف شیراز افزایش چشم‌گیری داشته است. این پژوهش درصدد آن است که با رویکردی کیفی به این پدیده بپردازد و فرصتی را برای شنیدن نظر و روایت تجربه افراد مهاجر منطقه کامفیروز که در شهرک‌های جوادیه و سعدی ساکن شده‌اند فراهم کند و به دنبال پاسخ به این سئوالات است که چه عللی موجب جذب آنها به این شهرک‌ها شده است؟ همچنین عوامل دافعه مبدأ (روستا) از دیدگاه این افراد که فرایند مهاجرت را تجربه کرده‌اند چیست؟

۲. ملاحظات نظری^۱

اولین شخصی که سعی کرد مکانیزم مهاجرت را بر اساس اصول کلی موجود در رویکرد کارکردگرایی بیان کند ارنست گئورگ راونشتاین^۲ (۱۸۸۵) می‌باشد. او طی بررسی‌های مختلف پیرامون جریان‌های مهاجرتی انگلستان که بر اساس سرشماری‌های ۱۸۷۱ و ۱۸۸۱

۱. از آنجا که این پژوهش از جنس تحقیقات کیفی است و روایت مشارکت‌کنندگان مبنای واقعیت اجتماعی در نظر گرفته شده است، ذکر نظریات مرتبط در این بخش به جهت حساسیت نظری و روشن‌تر کردن مسیر پیش روی در محققین بوده و نه تدوین چارچوب نظری و اخذ فرضیات.

2. Ernst Georg Ravenstein

انجام داد، قوانین جذب و دفع را مطرح کرد (ایمان، ۱۳۶۸:۳۲). یعنی عوامل نامساعد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فیزیکی باعث دوری مردم از محل سکونت خود شده و برعکس آنها را به نقطه‌ای که از این نظر شرایط مساعدی دارد جذب می‌کند. نظریات راونشتاین را می‌توان در هفت فرض اساسی خلاصه کرد: ۱. نرخ مهاجرت بین دو نقطه، ارتباط معکوسی با فاصله بین دو نقطه دارد. ۲. به طور طبیعی در جریان مهاجرت، افراد محلی مایلند ابتدا به شهرهای نزدیک و سرانجام به سوی شهرهایی که به سرعت رشد می‌کنند مهاجرت کنند. ۳. هر جریان عمده مهاجرت یک ضدّ جریان جبران‌کننده را به وجود می‌آورد. ۴. افراد بومی شهرها کمتر از آنهایی که در قسمتهای روستایی کشور هستند مهاجرت می‌کنند. ۵. جریان‌های مهاجرت در طول زمان در نتیجه افزایش امکانات جابه‌جایی و توسعه صنعت و تجارت، ماهیتاً رو به افزایش است. ۶. قوانین بد و ظالمانه، مالیاتهای سنگین، آب و هوای نامناسب، محیط‌های اجتماعی نامطبوع و حتی اجباری، تماماً در ایجاد جریان‌های مهاجرت مؤثر بوده و هنوز هم هست. ۷. در جایی که مسافت کوتاه باشد، زنان بیشتر از مردان اقدام به مهاجرت می‌کنند (تودارو، ۱۳۶۷:۲۰).

دورتنی سواين توماس^{۱۲} - جامعه‌شناس و اقتصاددان - در نظریه جاذبه و دافعه خود بر عدم تعادل اقتصادی-اجتماعی بین مبدأ و مقصد مهاجرت تأکید دارد و بر این نظر است که وضعیت نامطلوب اجتماعی و اقتصادی در مبدأ از یک سو و وضعیت مطلوب اجتماعی-اقتصادی در مقصد از سوی دیگر موجب می‌شود که جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد شکل بگیرد و تا زمانی که این عدم تعادل برطرف نشود روند مهاجرت ادامه خواهد یافت. به بیان دیگر، این نظریه بر وجود فرصتهای شغلی، اشتغال، و فرصتهای مطلوب زندگی اجتماعی و اقتصادی در مقصد به عنوان جاذبه و فقر و بیکاری و وضعیت نامطلوب در مبدأ به عنوان دافعه تأکید دارد (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۵:۱۳۲).

اورت اس. لی^{۱۲} در سال ۱۹۶۶ با نقد نظریات راونشتاین، نظریه جدیدی در این زمینه ارائه داده و چهار عامل را در تصمیم‌گیری برای مهاجرت مؤثر دانسته که عبارتند از: ۱. عوامل مرتبط با منطقه مبدأ مهاجرت ۲. عوامل مرتبط با منطقه مقصد مهاجرت ۳. عوامل دخالت‌کننده و ۴. عوامل شخصی (تودارو، ۱۳۶۷: ۲۲). لی در عین دقت و تفصیلی که در تفکیک منشأ عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی به عمل آورده، نیروهای دافعه را به روستا و جاذبه را به شهر محدود نکرده و در هر مورد به عوامل دافعه، جاذبه و خنثی اشاره نموده است. در هر منطقه عوامل متعددی در جذب افراد در آن منطقه مؤثر بوده و همچنین عوامل دیگری موجب دفع افراد از آن منطقه می‌شوند و عوامل دیگری هم برای افراد ضرورتاً خنثی می‌باشد. یک نظام آموزشی خوب ممکن است جزء عوامل مثبت برای کودکان و نوجوانان و عاملی منفی برای شهروندانی که فاقد فرزند هستند باشد چراکه به دلیل تحصیل، مالیات زیادی اخذ می‌گردد در حالیکه برای مرد مجرد فاقد دارایی مشمول مالیات، در این حالت بی تفاوت و خنثی محسوب می‌شود (لهسایبی زاده، ۱۳۶۸: ۶۱). به عبارت دیگر، عوامل مؤثر بر جاذبه و دافعه برحسب خصوصیات زمینه‌ای افراد شکل متفاوتی به خود می‌گیرد و برای تبیین تفاوتها، لی از مفهوم "موانع مداخله‌گر" بهره گرفته است. به نظر لی برخی از این موانع می‌توانند اثر کمی بر مهاجرت داشته و قابل رفع شدن هستند و برخی دیگر دارای اثرات کلی و قابل رفع نیستند. در همین راستا موانع مداخله‌گر نیز می‌توانند بر حسب زمینه اجتماعی اثرات متفاوتی بر افراد داشته باشند و آنچه را برای یک فرد عامل جاذبه یا مانع جزئی باشد برای افراد دیگر به عامل دافعه و مانع کلی (مانند هزینه حمل و نقل برای فردی ثروتمند و فردی تنگدست) بدل کنند (تودارو، ۱۳۶۷: ۲۲).

۳. پیشینه پژوهش

از گذشته تاکنون، مهاجرت در ایران مدنظر بسیاری از پژوهشگران بوده و از نظر پژوهشی، حوزه غنی و پرباری به شمار می‌آمده است. با این حال، پژوهش‌های زیادی با موضوع مهاجرت صورت نگرفت تا نشان دهد مهاجران چگونه از مبدأ دل‌کنده و با شرایط مقصد سازگار می‌شوند. از آنجا که شناسایی عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت روستایی اهمیت دارد این عوامل در مطالعات و تحقیقات گذشته بررسی و جمع‌بندی شد. در تحقیقات پیشین، عوامل مختلفی بررسی شده است. عوامل تأثیرگذار بررسی شده در تحقیقات گذشته تنوع زیادی داشته است؛ در نتیجه، این عوامل دسته‌بندی شده است که در جدول ۱ همراه با مؤلفه‌های مؤثر بر آن‌ها ارائه می‌شود.

جدول ۱. عوامل مؤثر بر مهاجرت روستائیان به شهر در تحقیقات گذشته

عنوان پژوهش	مؤلفه مؤثر	نوع عامل
خسروبیگی بزچلویی و طبیب‌نیا (۱۳۹۶) امانپور و امیری فهلیانی (۱۳۹۴) معمری و همکاران (۱۳۹۸) نندی ^۱ (۲۰۲۱). ها ^۲ و همکاران (۲۰۱۶) اعظم‌زاده و زندی (۱۳۹۹) اکبری و همکاران (۱۳۹۹).	اشتغال پایدار، امنیت شغلی در شهر، درآمد بالا در شهر نسبت به روستا، امکانات رفاهی بالا در شهر، فقر خانواده در روستا	اقتصادی
رستمعلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) غفاری و ترکی هرچگانی (۱۳۸۹) قاسمی اردهایی و رستمعلی‌زاده (۱۳۹۶) سعدی و همکاران (۱۳۹۳) صدر موسوی و همکاران (۱۳۹۵) محمدی یگانه - سنایی مقدم (۱۳۹۶) پناهی و پیشرو (۹۰). میروایز فضلی ^۳ (۲۰۱۶).	دستیابی به تحصیلات بالا و دانشگاهی، وجود امکانات آموزشی مناسب در شهر، کلاس‌های آموزشی و فوق برنامه برای فرزندان در شهر، مصرف‌گرایی و تمایل به تغییر در سبک زندگی	فرهنگی

1. Nandy
2. Ha
3. Fazli, Mirwize

طالشی و شینما (۱۳۹۶) یعقوبی و همکاران (۱۳۹۶) علی‌بیگی و همکاران (۱۳۸۸) اکبرپور (۱۳۹۶) طاهرخانی (۱۳۸۱)	داشتن آسایش در شهر، کسب منزلت اجتماعی بالاتر در شهر، طرد شدن در روستا، داشتن شبکه فامیلی و خویشاوندی در شهر	اجتماعی
---	---	---------

با توجه به مرور پیشینه تجربی در رابطه با مهاجرت روستائیان به حاشیه شهر و پژوهش‌هایی که نگاه پیامدی به موضوع مذکور داشته‌اند، می‌توان چنین استنباط کرد که در مراحل شکل‌گیری کلان‌شهرها و رشد میزان شهرنشینی، این جاذبه شهرها بود که بر دافعه آنها غلبه داشت و مهاجران بیشماری را به نواحی شهری می‌کشاند. البته این پژوهش‌ها نگاه فرایندی به مهاجرت و حاشیه‌نشینی نداشته‌اند. می‌توان گفت که مهاجرت روستائیان به حاشیه شهر علل گوناگونی دارد که تاکنون پژوهش‌های مختلفی بصورت مطالعات مقطعی و با روش پیمایش انجام شده و بدون توجه به چگونگی فرایند وقوع این پدیده و توالی علل، فقط به بررسی روابط علی میان متغیرها پرداخته است اما در این میان شکاف و خلأ پژوهشی که به بررسی روایت و درک تجارب شخصی افراد مورد مطالعه پردازد و اینکه علل مهاجرت را تک‌خطی نبیند و همچنین فرصت ابراز نظر به کسانی که در پژوهش‌های قبل به آنها پرداخته نشده احساس می‌شد چراکه ارزش‌های سنتی اجتماعات روستایی با منطق سادگی و بی‌پیرایگی در مقایسه با فرهنگ شهری رنگ باخته و مهاجرت به عنوان پیامد مهم آن ظاهر شده و روستاها از نیروی کار جوان برای فعالیت کشاورزی خالی شده است و عملاً کارآفرینی و توسعه پایدار روستایی با محوریت کشاورزی دچار رکود شده است. بررسی پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی که به روایت، تجربه، موقعیت، پیامد و داستان زندگی افرادی که خود به طور مستقیم پدیده مهاجرت و حاشیه‌نشینی را تجربه کرده‌اند پرداخته است. این پژوهش درصدد آن است که با رویکردی کیفی به این پدیده

بپردازد و فرصتی را برای شنیدن نظر و تجربه زیسته افراد مهاجر ساکن در حاشیه شیراز فراهم کند.

۴. روش شناسی پژوهش

این پژوهش در قالب روش شناسی کیفی و با راهبرد روایت پژوهی^۱ انجام شده است. شیوه نمونه گیری هدفمند می باشد. جامعه مورد بررسی پژوهش کیفی حاضر، مهاجران روستایی ساکن در شهرک جوادیه و شهرک سعدی شیراز می باشد که از منطقه کامفیروز مهاجرت کرده اند. برای انتخاب نمونه، قاعده اشباع^۲ و نمونه گیری نظری^۳ مد نظر قرار گرفته است (مایکوت و مورهاوس، ۱۹۹۴: ۶۳). به این صورت که بعد از انجام تعدادی مصاحبه، داده های گردآوری به میزانی شد که نیازی به گردآوری داده های جدید احساس نشد. شیوه عمل نیز به روش تاریخ شفاهی بوده و برای گردآوری داده ها، تأملات شخصی سرپرستان خانواری که با چالش مهاجرت درگیر بوده اند بررسی شده است. برای گردآوری داده های پژوهش، از روش مصاحبه استفاده شد؛ مصاحبه ها با رویکرد اکتشافی و به صورت نیمه ساختاریافته در نیمه اول سال ۱۴۰۱ (به مدت ۶ ماه) در سکونت گاه های این افراد انجام شده است. دسترسی به نمونه ها با معرفی برخی از مشارکت کنندگان و همچنین معرفی نزدیکان آنها که در روستا ساکن هستند انجام شده است. مصاحبه روایی روشی برای جمع آوری اطلاعات مربوط به جوهره ی ذهنی زندگی شخص است. این تکنیک، روشی برای نگاه به

-
1. Narrative Inquiry
 2. Saturation
 3. Theoretical Sampling

کل زندگی و راهی برای انجام تحقیق عمیق درباره زندگی افراد محسوب می شود (اتکینسون، ۱۳۸۴: ۲۴۱). در این پژوهش به جای تحلیل داده‌ها برای کشف ویژگی‌ها و ابعاد، به عمل یا تعامل پرداخته شده و آن نیز در بستر زمان بررسی شده است تا چگونگی تغییر این عمل به همان حال باقی بماند (اشترواس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۸۳). در تحلیل روایت-پژوهانه، پژوهشگر توصیفات رویدادها یا اتفاقات را گردآوری می‌کند و آنها را با استفاده از یک پیرنگ به صورت یک داستان ارائه می‌دهد. یک تعریف ایجابی و حداقلی از روایت، آن را توالی غیرتصادفی رخدادها و حوادث در یک زنجیره زمانی می‌داند (طلوعی و خالق‌پناه، ۱۳۸۷: ۴۵). در این روش، «زندگی به منزله روایت در نظر گرفته می‌شود تا بتوان برساخت^۱ روایی واقعیت را بدون استفاده از رویه‌های گردآوری داده‌ها که مشخصاً به دنبال دستیابی به روایت‌ها هستند تحلیل کرد» (برونر به نقل از فلیک، ۲۰۱۴: ۳۶۸). این تحلیل کمک می‌کند تا پیشینه زندگی این افراد و عوامل منجر به مهاجرتشان شناسایی شود و در نهایت مدل فرایندی استخراج شود. در واقع، در تحلیل روایت پژوهانه در تحقیق حاضر پژوهشگران به دنبال تبیین این موضوع هستند که چه فرآیندی در زندگی کنشگران زن و مرد شرکت‌کننده در این مطالعه رخ داده است که روستا را ترک کرده و اکنون جذب حاشیه شهر شده‌اند؟ این روایت‌ها در مقام روش، از تجربه‌های افراد آغاز شده و در داستان‌های زیست‌شده و نقل‌شده از سوی آن‌ها قابل بررسی است (کرسول، ۲۰۰۷: ۱۴۰).

در این پژوهش، به منظور تأیید اعتبار یافته‌های تحیق چند راهبرد به کار گرفته شد که عبارتند از: مشارکت بلندمدت (بدلیل سکونت خویشاوندان پژوهشگر در حاشیه شهر، وی ارتباط نزدیکی با مشارکت‌کنندگان دارد و با محیط زندگی آنها کاملاً آشناست)، توصیف پرمایه و غنی (در گزارش نهایی و تحلیل یافته‌ها به میزان کافی به فضای زمینه‌ای مورد مطالعه و ویژگی مشارکت‌کنندگان پرداخته شد) و در نهایت استفاده از ممیزان بیرونی (از نظرات تعدادی از اساتید دانشگاهی به منظور فرایند و یافته‌های تحقیق بهره گرفته شده است).

جدول ۲. معرفی نمونه‌های پژوهش

ردیف	نام ^۱	سن	تحصیلات	وضعیت تاهل
۱	زهرا	۶۵	دبستان	بیوه
۲	حسینعلی	۷۰	دبستان	متاهل
۳	رضا	۳۵	لیسانس	متاهل
۴	نسرتین	۳۱	سیکل	متاهل
۵	الناز	۳۴	فوق لیسانس	مجرد
۶	عبداله	۵۲	دبستان	متاهل
۷	حسین	۴۹	لیسانس	متاهل
۸	سعید	۴۳	سیکل	متاهل
۹	مهدی	۳۷	دیپلم	متاهل
۱۰	علی	۵۷	لیسانس	متاهل
۱۱	رضا	۴۵	دیپلم	متاهل
۱۲	احمدعلی	۳۷	لیسانس	متاهل
۱۳	اسماعیل	۵۱	دیپلم	متاهل
۱۴	صادق	۶۳	دبستان	متاهل
۱۵	مصطفی	۵۰	دیپلم	متاهل
۱۶	زرین تاج	۴۴	دیپلم	متاهل
۱۷	بهرام	۵۳	لیسانس	متاهل
۱۸	احمد	۴۸	دبستان	متاهل
۱۹	محسن	۳۹	سیکل	متاهل
۲۰	رمضان	۴۵	سیکل	متاهل
۲۱	علی	۵۷	سیکل	متاهل
۲۲	قربان	۵۶	سیکل	متاهل

به دلیل حفظ و حریم شخصی شرکت‌کنندگان در این پژوهش، از نام‌های مستعار استفاده شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، مصاحبه‌هایی نیمه ساختاریافته با ۲۲ نفر مبتنی بر راهنمای محقق‌ساخته صورت گرفت که ۱۷ نفر از مصاحبه‌شوندگان مرد و ۵ نفر از آنان زن بودند. بر اساس جدول ۲، ۵۰ درصد از مشارکت‌کنندگان حداکثر تا مقطع سیکل تحصیل کرده بودند، ۲۳ درصد در مقطع دیپلم و ۲۷ درصد از آنان تحصیلاتی در مقاطع کارشناسی و بالاتر داشتند. میانگین سنی مشارکت‌کنندگان نیز ۴۸ سال بوده است. همچنین در این بخش، پس از مشخص شدن عوامل علی و زمینه‌ساز، مدل‌های فرایندی مهاجرت از روستا و سکنی‌گزینی در شهرک‌های جوادیه و سعدی شیراز که از مصاحبه‌ها استخراج شده در واقع انتزاع و ترکیبی از فرایند هر مصاحبه هستند ترسیم شده است که عبارتند از: ۱. مدل خانواده‌های مهاجر دارای فقر اقتصادی ۲. مدل خانواده‌هایی که دچار دگرگونی ارزشی - هنجاری شده‌اند ۳. مدل زمین‌داران روستایی ساکن در حاشیه شهر ۴. مدل خانواده‌های علاقه‌مند به کار و تلاش دائمی (فرهنگ کار). لذا عوامل جذب مقصد و دفع مبدأ را در هر یک از مدل‌ها بیان می‌کنیم:

۱. مدل خانواده‌های مهاجر دارای فقر اقتصادی؛ بررسی و تحلیل روایت مشارکت‌کنندگان حاکی از این است که بعد از اصلاحات ارضی، به دلیل محروم شدن خوش‌نشینان از زمین کشاورزی از جهت اقتصادی وضعیت مناسبی در روستای محل زندگی خود نداشتند و اغلب به کارهای روزمزدی و کارگری برای روستاییان صاحب زمین مشغول بودند. وضعیت بد اقتصادی، کار طاقت فرسا، نداشتن شغل ثابت و دائمی، تضاد طبقاتی بین فقیر و غنی و احساس بی‌قدرتی و طرد اجتماعی در روستا از عوامل مهم دافعه این قشر بوده است.

« پدر بزرگم موقع اصلاحات ارضی بهش زمین ندادن گفتن تو خوش‌نشینی، خب پدرم هم ی آدم ضعیفی بود تو ده. پدر بیچاره‌ام هم ما را با بدبختی و مکافات بزرگ کرد، خودش هم خیری از این دنیا ندید. من هم تو ده فقط کارگری مردم رو میکردم. افراد مایه‌دار ده فکر می‌کردن من برده‌شون هستم. مزد کارگری‌ام رو هم باید با زور می‌گرفتم. اصلاً فکر نمی‌کردن که زن و بچه دارم. حدود ۵، ۶ ماه از سال هم کار نبود از این وضعیت خسته شده بودم،

دیگه ده جای من نبود. اینجا دیگه می دونم شهرداری سر وقت حقوقم را میده.» (مهملی ۳۷ ساله).

« تو روستا اطرافیان به حسابمون نمیآوردن، منبع درآمدی نداشتیم زمین که هیچ، فقط چند تا گوسفند و بیشتر مواقع کارگری کردن. دقیقاً حس می کردم که با چشم تحقیر باهام برخورد میشه؛ من ی آدم نیازمند و فقیر بودم که فقط به درد حمالی کردن برای دیگران میخوردم و من از این موضوع همیشه ناراحت بودم و عذاب می کشیدم و باید خودم و خانواده ام را از این وضعیت نجات می دادم.» (احمد ۴۸ ساله).

« هفت هشت ساله که بودم پدرم فوت کرد و در وضعیت خیلی بد مالی بزرگ شدم، مادرم به تنهایی و کار کردن برای این و اون خرج زندگیمون رو در میآورد. امکان ادامه تحصیل بعد از سوم راهنمایی را نداشتیم و باینکه درس خوب بود ترک تحصیل کردم..... به مادرم در قالی بافی کمک می کردم تا اموراتمون بگذره.... از شانس بدم با یکی بدتر از خودمون از نظر مالی ازدواج کردم، خانواده همسر هم در سطح خودمون بودن.... بعد از ازدواج چون تو روستا درآمدی نداشتیم سریع اومدیم شهرک سعدی و اینجا ی خونه کرایه کردیم. قیمت اجاره خونه به نسبت جاهای دیگه پایین هست.... همسر تو میدون تره بار کار می کنه و خودم هم تو خونه نمیتونم بیکار باشم و قالی بافی میکنم» (نسرین ۳۱ ساله).

از جاذبه های شهر شیراز از دیدگاه این گروه از مهاجران، می توان به داشتن شغل پایدار و راحت نام برد و اینکه دیگر اعضای خانواده از جمله همسر هم می توانند شغل خدماتی داشته باشد و اینکه به عنوان یک غریبه در شهر کسی از وضعیت اقتصادی شان باخبر نیست و با تحقیر به آنها نمی نگرد:

« اینجا که اومدیم خیلی راحتیم هم خودم کار دائم و راحت دارم و هم خانمم میره داخل شهر و برای یک خانواده ثروتمند آشپزی می کنه و حقوق خوبی هم می گیره اینجا کسی نمیدونه ما چه کاری انجام میدیم، وضعمون خوبه یا بده کسی تو زندگیمون سرک نمی کشه. اگر تو ده بودیم خانم من نمی تونست بره بصورت دائم آشپزی کنه چون اونجا این

کار رو عیب و عار میدونن ولی اینجا همسایه مون هم نمی دونه که ما چکاره ایم و...» (مهیدی، ۳۷ ساله).

۲. مدل خانواده‌هایی که دچار دگرگونی ارزشی - هنجاری شده‌اند؛ تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با مشارکت‌کنندگان حاکی از این است که امروزه به دلیل گسترش رسانه‌های جمعی (اینستاگرام، واتساپ و ...)، گسترش ارتباط شهر و روستا و نیز مهاجرت بسیاری از روستاییان ساکن در شهر، امکان آشنایی با مظاهر زندگی شهری، ترویج الگوهای زندگی شهری در روستا و تغییر وجهه نظر و الگوهای رفتاری روستاییان فراهم شده است. یکی از پیامدهای چنین وضعی این است که تمایل به شهری بودن و مهاجرت بین دختران و زنان روستایی افزایش پیدا کرده است. با توجه به تحلیل مصاحبه‌ها زنان، پسران و دختران جوان روستایی با مشاهده جلوه‌هایی از زندگی دختران و زنان شهرنشین و مقایسه خود با آنها به تفاوت‌های موجود پی می‌برند و سعی می‌کنند که با پیروی از نحوه زندگی آنها تفاوت‌ها را کاهش دهند. در واقع بسیاری از دختران، پسران و زنان جوان روستایی از اینکه روستایی هستند احساس خوبی ندارند و مادامی که در روستا به سر می‌برند سعی می‌کنند مانند یک فرد شهرنشین رفتار کنند؛ به باور مصاحبه‌شوندگان مهاجرت به شهر تنها راهی است که امکان برخورداری از این شیوه را فراهم کرده؛ البته اصرار همسر و فرزندان به دلیل تمایل به سبک زندگی شهری نقش اصلی را در این مهاجرت داشته است. بطور کلی می‌توان گفت جاذبه‌های شهر شیراز از دیدگاه مهاجران فراهم بودن امکانات برای پیشرفت شغلی و علمی، نداشتن محدودیت‌های روستا و باز بودن فضای رفت و آمد با شبکه خویشاوندان و وجود امکانات خدماتی و رفاهی بیشتر در شیراز است. از جمله این امکانات می‌توان به بیمارستان، پارک‌ها، مراکز خرید، دانشگاه و مراکز آموزشی اشاره کرد:

« من از بچگی تا موقع ازدواج در روستا زندگی کردم از همون موقع هم جو روستا را برای زندگی کردن نمی‌پسندیدم معتقد بودم که روستا خیلی محدودیت داره و جایی برای پیشرفت نیست... اونجا هر لحظه تو دید مردم هستی و مدام کنترل میشی، خیلیا تو زندگیت

سرک میکشن که کجاها رفت و آمد میکنی... بعد از ازدواج، همسرم را قانع کردم که بیایم داخل شهر و قبول کرد. امکانات رفاهی شهر رو همیشه با روستا مقایسه کنی...» (زرین تاج ۴۴ساله)

« اقوام ما خیلپاشون در شهر زندگی می‌کنن. اونوقتا که ما در ده بودیم و هر از گاهی برای خرید یا کارای دیگه به شهر میومدیم به خونه آشناها می‌رفتیم اونا از امکانات و رفاه شهر برای ما تعریف می‌کردن و به ما می‌گفتن که شما هم روستا را رها کنید و بیاید داخل شهر، برای من دل‌کندن از محیط روستا سخت بود من واقعاً عاشق طبیعت و خلقت و خوی مردم روستا بودم و هستم اما چه کنم که فشار همسر و فرزندانم منو به اینجا کشونده.» (عبداله ۵۲ساله).

مبدأ مهاجرت به طور حتم دارای دافعه‌هایی بوده که افراد را مجبور به مهاجرت کرده است. مشارکت کنندگان از نظارت جمعی شدید در روستا و نقض حریم زندگی خصوصی توسط بعضی از افراد ساکن در روستا یاد می‌کنند. نبود امکانات رفاهی و آموزشی خوب برای ادامه تحصیل فرزندان از دیگر عوامل تأثیرگذار برای دافعه این گروه می‌باشد.

۳. مدل زمین‌داران روستایی ساکن در حاشیه شهر؛ مصاحبه‌شوندگانی که طبق این فرآیند به حاشیه شهر مهاجرت کرده‌اند از نظر اقتصادی وضعیت خوبی دارند و بیشتر با فشار فرزندان در مرکز شهر ساکن شده‌اند. آنها پس از مدت کوتاهی از زندگی در مرکز شهر خسته و دلزده شده‌اند و با دلخواه خودشان سکونت در حاشیه شهر را انتخاب کرده‌اند. این گروه شهرنشینان را افراد زیادی خواه، حسابگر، وقت‌شناس، تندخو، غیراحساساتی و بدون حس خویشاوندی و بی‌تفاوت می‌بینند که فقط به دنبال رفاه، مصرف و تجمل‌گرایی هستند. آنها می‌گویند که از آب و هوای آلوده و شلوغی و سروصدای شهر احساس خفگی و خستگی داشتند و بدنبال فرار از این وضعیت بودند که حاشیه شهر را انتخاب کرده‌اند. عصبی و پرخاشگر بودن مردم کلانشهر نیز عاملی است که سبب شده مهاجران از زندگی خود در کلانشهر شیراز چندان راضی نباشند. به نظر می‌رسد که مشکلات اقتصادی و

اجتماعی در بوجود آمدن و تشدید این پدیده مؤثر می‌باشد و احتمالاً منحصر به کلانشهر شیراز نباشد. می‌توان گفت که میزان دلبستگی فرد مهاجر به الگوی زندگی مبدأ (اعم از زبان، لهجه، آداب و رسوم و دلبستگی‌های خویشاوندی) و عدم رضایت از زندگی در مرکز شهر، در وجهه نظر فرد نسبت به نقل مکان به حاشیه شهر که با ساختار و بافت مبدأ همخوانی بیشتری دارد برای این افراد چاره‌ساز بود.

« من خدارو شکر از نظر مالی مشکلی ندارم. از زمانی که بچه‌ها گفتن تو ده امکانات نیست برای تحصیلشون، تو شهر خونه خریدم و اومدن داخل شهر؛ درس خوندن، سواد دار شدن، شرکت دار شدن اما تو کار کشاورزی نه علاقه‌ای نشون دادن و نه به من کمک کردن. من هم دست تنها شده بودم و موقعی که بی تفاوتی بچه‌ها را دیدم تمام زمین‌ها را دادم اجاره و اومدم معالی آباد پیش بچه‌ها. اما بعد از ی چند ماه که اونجا بودم از محل زندگیم خسته شدم. آدم‌های اونجا بی‌احساس و بی‌تفاوت به هم بودن، برخوردشون خشک و سرد بود نمی‌دونم شایدم بخاطر فشار زندگی بود. خلاصه اومدم جوادیه یه خونه حیاط دار خریدم و الان هشت نه سال هست اینجا ساکن هستم». (صادق ۶۳ ساله)

«خونه‌ای که داشتم تو خیابون پاسداران هست الان هم دادمش کرایه. اما من چون روستایی بودم حقیقتاً نتونستم اونجا بمونم احساس خفگی میکردم، رفتار مردم اونجا سرد و خشک بود. به نظر خودم که مردم اونجا خیلی عصبی بودن نمیشد باهاشون صمیمی بشی. سرشون تو لاک خودشون بود. من اونجا خیلی احساس غربت می‌کردم با پرس وجو کردن اومدم جوادیه یه منزل بزرگ سه طبقه گرفتم و اومدم اینجا. خیلی راحتیم الان. مردم اینجا مثل خود ما فرهنگشون روستایی هست اهل تکبر نیستن در گفتارشون صداقت دارن، اهل بگو و بچند و خلاصه خیلی صمیمی و خوش قلب هستن». (حسینعلی ۷۰ ساله).

از جمله عوامل دافعه برای این گروه متمول روستایی می‌توان به این موضوع اشاره کرد که در محیط روستا وسایل و امکانات رفاهی متناسب با وضعیت اقتصادی این افراد وجود ندارد. این افراد که فعالیت گسترده کشاورزی در روستا دارند از مدت‌ها قبل فرزندان‌شان به

بهانه تحصیل و کار عازم شهر شده‌اند و زمین و کار در روستا را رها کرده‌اند و در شهر زندگی می‌کنند و آنها را در فعالیت کشاورزی یاری نمی‌کنند و فقط چشم به فصل برداشت محصول کشاورزی پدر دوخته‌اند. در این شرایط سرپرست خانوار میل و انگیزه کار و فعالیت کشاورزی و سکونت در روستا را از دست داده‌اند، ناچاراً زمین‌های کشاورزی خود را بصورت اجاره‌ای به ساکنان روستا واگذار می‌کنند و خودشان هم در مرکز شهر به فرزندان‌شان ملحق می‌شوند.

۴. مدل خانواده‌های علاقه‌مند به کار و تلاش دائمی (فرهنگ کار)؛ این گروه از خانواده‌ها وضعیت مالی نسبتاً خوبی دارند و به کار و تلاش هر روزه علاقه دارند و معتقدند که میزان دستیابی به مزایا و امکانات اقتصادی و اجتماعی نظیر احترام، دستمزد بالا و منزلت اجتماعی از طریق انجام کار مفید و مولد است. بدیهی است که ارزش کار افراد در اثر تعامل با محیط و قرارگرفتن افراد در فرایند اجتماعی شدن تعیین و درونی می‌گردد. به عبارت دیگر توانمندی‌ها و مؤثر بودن فرد در مجموعه و سازمانی که کار انجام می‌دهد ارزشمند تلقی می‌شود نه در محیط روستا که به صورت انفرادی به فعالیت کشاورزی می‌پردازد. از دیدگاه این گروه، این امر فقط در مهاجرت به شهر و قرارگرفتن در محیط بزرگتر امکان‌پذیر بود و از آنجا که اکثر شرکتهای تولیدی و صنعتی در حاشیه شیراز مستقرند این خانواده‌ها سکونت در حاشیه شهر را به دلیل نزدیکی به محل کار انتخاب کرده‌اند و جذب حاشیه شدند. کارکردن در این خانواده‌ها یک ارزش تلقی می‌شود و بصورت یک فرهنگ درآمدی و از طرفی فرد در روستای محل زندگی (مبدأ) شش ماه از سال را بیکار می‌باشند لذا با اجاره دادن زمین کشاورزی به اشکال مختلف، به حاشیه شهر مهاجرت کرده‌اند.

« وضعیت مالی خانواده ما بد نیست اما من نمی‌تونستم توده شش ماه از سال دست رو دست بدارم و بیکار باشم. از بیکاری کلافه می‌شدم. کاری که اینجا دارم منظم هست. سر ساعت میرم سر کار و سر ساعت هم میام خونه. همیشه دوست داشتم در جمع کار کنم و ارزش کارم را دیگران ببینند. در روستا اما اینطور نبود». (بهرام ۵۳ ساله)

« من می‌تونستم تو روستا بمونم و درآمد خوبی هم از کشاورزی داشته باشم اما نموندم... آدم تو جمع کار کنه از نظر فرهنگی و اجتماعی رشد میکنه. معنی نظم و قانون را اینجا متوجه شدم. اینجا من دوستای خوبی تو شرکت پیدا کردم و از کار کردن پیش دوستام اصلاً خسته نمی‌شم». (مصطفی ۵۰ ساله)

۶. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مدل‌های فرایندی به دست آمده از روایت‌های روستاییان منطقه کامفیروز که به حاشیه شهر شیراز مهاجرت کرده‌اند راجع به دفع از مبدأ و جذب در مقصد اینگونه مهاجران داری فقر اقتصادی می‌توان گفت که کشاورزی سنتی که در آن سرمایه‌گذاری ناچیز و امر زراعت بیشتر کاربرد بود جای خود را به یک کشاورزی سرمایه‌بر داد. نتیجه این شد که مزدوری در روستا غلبه پیدا کرد و این امر در وجهه نظر متفاوتی که قبلاً بین خوش‌نشینان و دهقانان وجود داشت مؤثر واقع شد و قشر خوش‌نشین پایگاه کارگری پیدا کرد و خوش-نشینان نه تنها توسط دهقانان مرفه و سرمایه‌داران روستایی استثمار می‌شدند بلکه سوداگران ده نیز آنان را مورد بهره‌کشی قرار می‌دادند. این قشر کمتر شانس این را پیدا کردند که در کارهای فنی و اداری در روستا یا خارج از روستا جذب شوند. طرد کردن قشر خوش‌نشین در برنامه‌های توسعه روستایی احساس بیگانگی اجتماعی، پوچی، انزوا و سرخوردگی را در این طبقه تقویت کرده است. فرزندان این قشر سالخورده امروزی که امیدی به بهبود زندگی خود در روستا نمی‌دیدند و عملاً شاهد تضاد طبقاتی بین فقیر و غنی در روستا بودند. علاقه خود به محیط روستا را از دست داده و با درماندگی محیط روستا را ترک کردند و از آنجا که سکونت در مرکز شهر به علت هزینه بالا برای آنها مقدور نیست و از طرفی اقوام و آشنایان در حاشیه شهر سکنی گزیده‌اند حاشیه شهر مکان مناسبی برای این قشر فقیر

روستایی می باشد و غالب این گروه جذب کارهای خدماتی و صنایع ساختمانی که در پیرامون شهر پراکنده هستند شده اند. این مدل با نظریه دورتی سواين توماس همخوانی دارد چراکه تأکید وی بر عدم تعادل اقتصادی-اجتماعی بین مبدأ و مقصد مهاجرت می باشد و تا زمانی که این عدم توازن برطرف نشود روند مهاجرت ادامه خواهد یافت. (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۵:۱۳۲).

در مدل مهاجرت خانواده‌هایی که دچار دگرگونی ارزشی - هنجاری شده اند برخی از اندیشمندان به بررسی پدیده‌هایی مانند شکاف نسلی، تغییر سبک زندگی و دگرگونی ارزش‌ها پرداخته اند. برای نمونه، اینگلهارت (۱۹۷۰) در نظریه تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی بر اساس دو فرضیه کمیابی و اجتماعی شدن، عوامل مؤثر بر شکاف نسلی در دهه شصت میلادی در جامعه اروپا و دگرگونی ارزش‌ها و جایگزینی ارزش‌های فرامادی به جای مادی را در میان نسل جوان تبیین کرده است. پی‌یر بوردیو نیز بنیان نظری محکمی برای تحلیل پدیده مصرف و سبک زندگی پدید آورده است (جنکینز، ۱۳۹۶). تحلیل بوردیو درباره سبک زندگی بر سرمایه فرهنگی مبتنی است و وی در نظریه تمایز خود، تأثیر سرمایه فرهنگی بر مصرف، فعالیت و سبک زندگی افراد را تبیین می کند.

وقتی در جامعه‌ای، شهری بودن و زندگی در شهر از ارزش بیشتری برخوردار باشد، مسلماً هر فردی که از آن پیروی نکند با نوعی تحقیر از سوی دیگران روبروست و برای رهایی از این تحقیر، از آنچه برای اکثریت جامعه ارزش است، پیروی می کند. فردی که به دلیل روستایی بودن و زندگی در روستا از سوی دوستان شهرنشین خود مورد تمسخر قرار می گیرد، برای تغییر محل اقامت دائم و سبک زندگی خود تلاش می کند. در چنین شرایطی نمی توان از این فرد انتظار داشت که در مزرعه به کار کشاورزی پردازد. دلایل ظهور پدیده فوق به نوعی درهم تنیده و هر کدام در شرایط خاص خود و با وجود ارتباط با مؤلفه‌های دیگر قابل درک است که این نتایج با نتایج پژوهش سینگ و میشر (singh and Mishra, 2013) در هند همخوانی دارد از این رو شایسته است که احترام به جامعه روستایی

و فرهنگ روستا به یک ارزش تبدیل شود که خود نیازمند فعالیت‌های فرهنگی در راستای دگرگونی نگرش افراد جامعه نسبت بدین موضوع است.

همانطور که از یافته‌های پژوهش مشخص است مهاجران در مبدأ با دافعه‌ها و در مقصد با جاذبه‌هایی روبرو هستند و بر اساس عوامل دفع، عزم حرکت از مبدأ به سمت مقصد میکنند. بررسی واکاوی ذهنی مشارکت‌کنندگان در پژوهش کیفی حاضر بیانگر این مطلب است که عدم توسعه‌یافتگی در مبدأ سبب شده عوامل دافعه‌ای همچون بیکاری، وضعیت نامطلوب اقتصادی، فقر، نبود امکانات رفاهی و آموزشی گریبانگیر افراد شود و در نتیجه به سمت و سوی مناطق توسعه‌یافته‌تر که امکان به دست آوردن شغل پایدار در آنجا بیشتر مهاجرت کنند. چنین یافته‌ای همسو با مطالعات (قاسمی اردهایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ اکبری، ۱۳۹۹) همخوانی دارد. بر اساس مدل فرایندی مهاجرت افراد زمین‌دار به حاشیه شهر که طبق روایت تجربه زیست‌شده بدست آمده، آنان پس از ورود به مرکز شهر با نهادها و قواعد اجتماعی متفاوتی برخورد می‌کنند. این افراد تا زمانی که در روستا بوده‌اند عادتواره-های مناسب با میدان‌های مختلف روستایی در خوی و خصلتشان درونی شده است اما هنگامی که پا در محیط متفاوت شهر می‌گذارند با عادتواره‌های جدید شهری که قبلاً آنها را تجربه نکرده‌اند روبرو می‌شوند به دلیل اینکه نمی‌توانند خُلقیات شهرنشینان را تحمل کنند و برای برون‌رفت از این وضعیت به دنبال چاره می‌گردند و حاشیه شهر که فضایی شبیه ساختار و بافت روستا دارد را برای ادامه زندگی انتخاب می‌کنند. این مدل براساس نظریه «ساختار، کنش و عادتواره» پی‌یر بوردیو قابل تبیین است (بوردیو، ۱۹۹۳). می‌توان گفت که این دسته از خانواده‌ها از آن رو فشار فرزندان را پذیرفته‌اند که طبق سلسله مراتب نیازهای مازلو به لحاظ مادی در رفاه بوده‌اند و لذا به نیازهای بالاتر زندگی که فراهم کردن تسهیلات بیشتر و بهتر برای زندگی بوده توجه نموده‌اند (اُردن و اِکان، ۲۰۱۷).

در مدل چهارم که مربوط به خانواده‌های علاقه‌مند به کار و تلاش دائمی (فرهنگ کار) می‌باشد از آنجا که این خانواده‌ها وضعیت مالی نسبتاً خوبی دارند بدنبال دستیابی به مزایای

اقتصادی و اجتماعی نظیر احترام و منزلت اجتماعی هستند. این مدل نیز با نظریه سلسله مراتب مازلو قابل تبیین می‌باشد چراکه این دسته از خانواده‌ها بدلیل ارضای نیازهای اقتصادی‌شان به احترام و خودشکوفایی می‌اندشند که این خودشکوفایی به کارکردن مستمر و تلاش بیشتر در زندگی می‌انجامد (ایران‌نژاد پاریزی، ۱۳۹۵).

به صورت مشخص می‌توان پیشنهاد داد که به واسطه تغییرات فرهنگی به وقوع پیوسته، نیاز است که علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی مهاجرت به عوامل فرهنگی و ارزشی در جذب و دفع مهاجران توجه بیشتر شود که با این امر با استفاده از تلفیق رویکردهای جامعه‌شناختی در مطالعات جمعیتی میسر می‌گردد.

کتابنامه

۱. اتکینسون، ر. (۱۳۸۴). راهنمای تحقیق مصاحبه‌ای (زمینه و پژوهش). ترجمه معاونت پژوهشی دانشکده امام باقر، تهران: دانشکده امام باقر.
۲. اشتراوس، آ.؛ کوربین، ژ. (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای). ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
۳. اکبریور، م. (۱۳۹۶). واکاوی تأثیر شبکه‌های مهاجرت‌های روستایی بر کلانشهر کرج. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۷ (۲۷)، ۱۱۷-۱۳۲.
۴. اکبری، ی.؛ بوچانی، م.؛ محمودیانی، س. (۱۳۹۹). دلایل و مسائل اجتماعی مرتبط با مهاجرت از دیدگاه مهاجران محله خلیج فارس شمالی تهران. مطالعات جمعیتی، ۶ (۱)، ۱۲۹-۱۵۶.
۵. امانپور، س.؛ امیری فهلیانی، م. (۱۳۹۴). تحلیلی بر تقابل مشکلات مهاجران در دو جامعه روستایی و شهری، توسعه محلی (روستایی- شهری)، ۷ (۲)، ۲۵۹-۲۷۶.
۶. ایران‌نژاد پاریزی، م. (۱۳۹۵). مدیریت رفتار سازمانی در عصر جهانی شدن، تهران: نشر مدیران.
۷. ایمان، م. (۱۳۶۸). مهاجرت در کشورهای جهان سوم، مجله ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۲ (۳)، ۶۶۲-۶۳۳.
۸. اینگلهارت، ر. (۱۴۰۰). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر، تهران: نی،

۹. آزاده منصوره، ا.؛ زندی، ف. (۱۳۹۹). واکاوی درک نابرابری در زندگی قبل و بعد از مهاجرت. *مطالعات جمعیتی*، ۶ (۱)، ۹۱-۱۲۷.
۱۰. پناهی، ل.؛ پیشرو، ح. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت جوانان روستایی به شهر، برنامه-ریزی منطقه‌ای، ۱ (۲)، ۴۱-۵۰.
۱۱. تودارو، م. (۱۳۶۷). مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه، بررسی نظریه‌ها، مدارک، روش‌ها و اولویت‌های تحقیق. ترجمه سرمدی و رئیسی فرد، تهران: کار و تأمین اجتماعی.
۱۲. جعفرلو، ع. (۱۳۹۷). تحلیلی بر نقش مهاجرت در ایجاد آسیب‌های اجتماعی (مطالعه موردی شهر الوند در استان قزوین). *جغرافیا و روابط انسانی*، ۱ (۱)، ۴۴۵-۴۶۳.
۱۳. جمالی، ف. (۱۳۸۱). مهاجرت، شهرها و سازگاری مهاجران. *فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، ۴۵ (۱۸۲)، ۶۱-۸۱.
۱۴. جنکینز، ریچارد (۱۳۹۶). پی‌یر بوردیو. ترجمه حسن چاوشیان و لیلا جوافشانی، تهران: نی، چاپ دوم
۱۵. حیدری، آ.؛ رضانی باصری، ع.؛ عیسایی خوش، ک. (۱۴۰۰). واکاوی معنایی وضعیت تحولات و دگرگونی در کار اقتصادی زنان در مناطق روستایی. *روستا و توسعه*، ۲۴ (۹۵)، ۱۱۹-۱۴۱.
۱۶. خسروبیگی بزچلویی، ر.؛ طیب‌نیا، ه. (۱۳۹۶). مهاجرت جوانان، به‌راستی مشکل کجاست؟ جوامع محلی و آینده‌نگری برای شکل‌دهی سکونتگاه‌های روستایی. *جغرافیا و توسعه*، ۱۵ (۴۹)، ۲۴۳-۲۷۲.
۱۷. رستمعلی‌زاده، و.؛ قاسمی‌اردهایی، ع.؛ رستمی، ن. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر ماندگاری جوانان روستایی، پژوهش‌های روستایی، ۴ (۳)، ۵۴-۶۹.
۱۸. رهنما، م.؛ احمیان، م. و محمدیان، م. (۱۳۹۱). مدیریت شهری و ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۸، ۴۳-۷۴.
۱۹. زرقانی، ه.؛ غلامی، ی.؛ قنبری، م.؛ قیاسی، م.؛ حسینی، م. (۱۳۹۵). تحلیلی بر توزیع فضایی مهاجران افغانستانی استان خراسان رضوی طی سالهای ۱۳۸۲-۱۳۹۲ (طرح آمایش ۵-۹)، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۷، شماره ۲۷، ۱۲۷-۱۴۶.
۲۰. زنجانی، ح. (۱۳۹۴). مهاجرت. تهران: انتشارت سمت، چاپ چهارم

۲۱. سعدی، ح؛ بهرامی، ل؛ افشارکهن، ج. (۱۳۹۳). علل مهاجرت روستائیان در استان همدان. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۱(۱)، ۵۳-۷۳.
۲۲. طالشی، م؛ شبنما، م. (۱۳۹۶). نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی در مهاجرت‌های روستایی - شهری، *فصلنامه علمی انجمن جغرافیای ایران*، ۵۴(۱۵)، ۴۳-۶۰.
۲۳. طاهرخانی، م. (۱۳۸۰). تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا-شهری با تأکید بر مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین. *تحقیقات جغرافیایی*، ۱۶(۳)، ۶۷-۹۳.
۲۴. طلوعی، و؛ خالقی‌پناه، ک. (۱۳۸۷). روایت شناسی و تحلیل روایت، *خوانش*، ۹(۵۲)، ۴۵-۵۱.
۲۵. علی‌بیگی، ا؛ پاپزن، ع؛ دره‌زرشکی، م. (۱۳۸۸)، دلایل و راهکارهای کاهش تمایل جوانان روستایی شهرستان کرمانشاه به مهاجرت، *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۴۰(۱)، ۳۹-۴۹.
۲۶. غفاری، ر؛ ترکی‌هرچگانی، م. (۱۳۸۹). تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت جوانان روستایی به شهر، *مسکن و محیط روستا*، ۲۹(۱۳۲)، ۹۱-۱۰۲.
۲۷. فلیک، ا. (۱۴۰۱). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی
۲۸. قاسمی اردهایی، ع؛ محمودیان، ح؛ نوبخت، ر. (۱۳۹۶). تحلیل علل مهاجرت‌های داخلی ایران در سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران*، ۶(۳)، ۳۷۵-۳۹۰.
۲۹. قاسمی اردهایی، ع؛ رستمعلی‌زاده، و. (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر تمایل مهاجرت جوانان روستایی با تأکید بر نقش تعلق به مکان. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی*، ۱۲(۲۴)، ۴۳-۶۷.
۳۰. کرسول، ج. (۱۴۰۰). پویای کیفی و طرح پژوهش. ترجمه حسن دانایی‌فرد، تهران: اشراقی-صفا.
۳۱. لهسایی‌زاده، ع. (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت. شیراز: انتشارات نوید
۳۲. محمدی‌یگانه، ب؛ سنایی‌مقدم، س. (۱۳۹۶). تحلیل اثرات روابط شهر و روستا در مهاجرت‌های روستا-شهری، *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۷(۲۷)، ۱۰۳-۱۱۵.
۳۳. محمودیان، ح. و محمودیانی، س. (۱۳۹۷). بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران با تأکید بر دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، تهران: طرح مشترک دانشگاه تهران و صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در ایران.

۳۴. مرکز آمار ایران (۱۳۹۸)، ترازنامه و ماتریس مهاجرتی شهرهای ایران در سالهای ۱۳۹۰ تا ۹۵، تهران: دفتر ریاست روابط بین‌المللی و همکاری‌های بین‌الملل.
۳۵. معمری، مهدی؛ حسین‌زاده، عسگر؛ قربانی، اردوان و مفیدی‌چلان، مرتضی (۱۳۹۸). عوامل اقتصادی و اجتماعی اثرگذار بر مهاجرت روستائیان، *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۸(۴)، ۲۴۳-۲۵۹.
۳۶. یعقوبی، جعفر؛ اسعدی، صحرا و یزدانپناه، مسعود (۱۳۹۶). مشوق و بازدارنده گرایش جوانان روستایی به شغل کشاورزی در روستاهای قصرشیرین، *پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، ۹(۴۰)، ۵۷-۸۹.
37. Bourdieu, P. (1993). *Sociology in Question*, translated by R. Nice, Sage Publications.
38. Fazli, M. (2016). "Factors behind the Growth of Informal Settlements in Kabul. *Institute of Urban and Spatial Planning*" Faculty of Architecture. Slovak University of Technology in Bratislava.
39. Ha, W., J. Yi, Y. Yuan & J. Zhang (2016). *The dynamic effect of rural –to-urban migration on inequality in source villages: system GMM estimates from rural china*, *chin Economic Review*, 37: 27-39.
40. Maykut, P., & Morehouse, R. (1994). *Beginning qualitative research: A Philosophic and practical guide*. London: The Falmer Press.
41. Nandy, A., & Chavi, T. (2021). India's Rural Employment Guarantee Scheme- How does it influence seasonal rural out-migration decisions?. *Journal of Policy Modeling*, 43: 1181-1203.
42. Ordun, G., Akun, F. (2017). Self-Actualization, Self-Efficacy and Emotional Intelligence of Undergraduate Students. *Journal of Advanced Management science* Vol, 5(3).
43. Singh, U. B. and Mishra, N.K. (2013). Women work participation in rural Uttar Pradesh: a regional analysis. *International journal of social science and Interdisciplinary Research*, 2(8): 47-57.
44. Stalker, P. (1994). *The work of strangers: A Survey of international labor migration*. International office, Genova.